

www.ketab.ir

مَم و زین

سرودهٔ احمد خانی

ترجمه و بازسرایی:
رضا امیری



خانی، احمد بن الیاس، ۱۰۶۱ - ۱۱۱۹ ق.
Khani, Ahmad

مهم و زین، فارسی.

مهم و زین / سروده احمد خانی: ترجمه بازسرای رضا امیری.

سقز: نشر هجران، ۱۴۰۰

ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س م

۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۰۸-۸-۳

فیبا

کردی.

شعر کردی -- قرن ۱۱ق -- ترجمه شده به فارسی

Kurdish poetry -- 17th century -- Translations into Persian

شعر فارسی -- قرن ۱۲ -- ترجمه شده از کردی

Persian poetry -- 20th century -- Translations from Kurdish

امیری، رضا، ۱۳۲۲، مترجم

PIR3256

۸۶۹/۲۱

۷۳۰۱۶۵۸

سرشناسنامه:

عنوان قراردادی:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

www.ketab.ir

نام کتاب: مهم و زین (سروده احمد خانی)

ترجمه و بازسرای: رضا امیری

موضوع: منظومه‌ی عاشقانه

نقاشی جلد: استاد مصطفی شیرزاد

طراح جلد: چیا سرسپی

صفحه آرای: مبینا قادرزاده

تایپ: امید مقدس

انتشارات: ههژان سقز

سال و نوبت انتشار: چاپ اول - ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۰۸-۸-۳

قیمت: ۷۰۰۰۰ هزار تومان

فهرست

۱	در مقام پیشگفتار
۵	قصه پردازی
۶	وفاداری
۷	خانی و هنرهای زیبا
۸	خانی و شعر
۹	و در ادامه سخن
۱۲	بیوگرافی شیخ خانی
۱۲	چاپ‌ها و ترجمه‌های "مم و زین"
۱۳	و ختم کلام
۱۶	آغاز با پسند خدا
۲۰	لابه و التماس
۲۵	پسند رسول
۳۱	خواستار شفاعت از رسول
۳۴	فریاد و فغان ما کوردها
۳۸	دلیل انشاء به زبان کوردی
۴۳	طلب می از ساقی
۵۰	در وصف امیر بوتان و خواهرانش
۵۶	عشق و جمال
۵۸	"مم" و "تاجدین"
۶۱	دوستان وفادار باشند، بهترست بدنبال دلداری نباشد.
۶۱	نوروز
۶۴	گشت و گزار در دشت و دمن
۶۶	لباس زنانه در پیکر مردانه
۶۷	دوجوان ناشناس
۷۴	بهوش آمدن "مم" و "تاجدین" و آگاهی از درد درون
۷۹	بازگشت دو خاتون به کوشک و آگاهی "دایه" از حال و روزشان

۸۴	حیرت دایه از شنیدن ماجرا
۸۸	رفتن دایه نزد رمال
۹۰	حکیم درون
۹۵	اقرار به عشق عشاق
۹۸	بازگشت دایه به نزد خواتین
۱۰۱	خواستگاری از "هستی"
۱۰۹	جشن عروسی
۱۱۶	حجله گاه
۱۲۰	دست بدست شدن عروس و داماد
۱۲۳	بکر سخن چین
۱۳۲	"زین" و "مم" و غم
۱۳۷	گفتگوی "زین" با غم خود
۱۳۸	درد دل با خواهر
۱۳۹	گفتگو و درد دلش با شمع
۱۴۰	سرزنش و گلایه "زین" از پروانه
۱۴۲	"مم" و سوز عشق
۱۴۴	درد دل "مم" با دجله
۱۴۶	گفتگو با نسیم صبا
۱۴۹	سرزنش و گلایه "مم" از دل خود
۱۵۳	فصل بهار و غوغای شکار
۱۵۶	در وصف باغ "امیر زین الدین"
۱۵۸	وارد شدن "زین" به باغ برادر
۱۶۲	دیدار غیر مترقبه ^۱
۱۶۹	"امیر" و شکارچیان از راه می‌رسند
۱۷۴	"تاج‌الدین" سرای خود را به آتش میکشد تا توجه "امیر" و همراهان را جلب کند
۱۷۸	عشق و عاشقی را نمی‌شود پنهان کرد
۱۸۲	"میر" و "مم" در مصاف نرد و شطرنج
۱۸۹	حال و روز "مم" در سیاه چال

در مقام پیشگفتار

زنده یاد ماموستا هزار ادیب شهیر و بلند پایه کورد در ۱۳۳۵ هجری شمسی کتاب (مم و زین) را از لهجه کوردی بادینی^۱ به لهجه کوردی سورانی^۲ ترجمه کرده و مقدمه‌ای هم بر آن نوشته اند. ایشان بحق استاد الاساتید است و در مورد معرفی اثر نامبرده حق مطلب را بطور کامل ادا نموده. پس بخشی از همان مقدمه را نیز ترجمه و در اینجا بنظر خواننده عزیز میرسانم:

جوانان رشید و پُر صلابت و دختر خانم‌های پاکدامن و خوش قامت کورد که قادر به خواندن زبان مادریشان هستند و متمایل به ادبیات پُربار، اصیل، غنی و ارزشمند کوردی و مشتاق بوئیدن چنان گل خوشبوئی و چشیدن چنین خوراک نابی و آرزومند مطالعه یک اثر عشقی و عاطفی هستند، اگر "مم و زین" را ببینند (که چهار سده قبل، شیخ خانی آنرا در وجه منظومه‌ای به زبان کوردی سروده و در دسترس آنان قرار داده) شک ندارم که بسرعت و دوتا یکی ورق میزنند و از روی خطوط و جمله‌ها، شتابان میپرد، تا هر چه زودتر از سرانجام کار عشاق سوتیه دل داستان، سر در بیاورند و بر مزار غمگسار آندو نهال خاکسار، شیون و مویه سر دهند و چون خاکسپاری به پایان رسید، با چشمانی اشکبار و قلبی غمبار، همراه با آهی سرد از اعماق سینه داغدار، بنالند و بگویند که براستی سرگذشتی غریب و اسفناک بود. رحمتی به روح پُر فتوح خانی بفرستند و به آرامی کتاب را درون قفسه خود جای دهند. اما دریغ از اینکه یکبار دیگر به آن داستان رجوعی و در آن غوری کنند. دقت و باریک بینی بخرج نمیدهند خرمن اشعار را زیر و رو نمیکنند تا دانه‌های درشت و پُرمغزی که خمیرمایه متن قصه را تشکیل داده اند، انتخاب و با آرامش و شکیبائی برانداز کنند، آنها را حکیمانه دسته بندی کرده از هم جدا و سپس دوباره مخلوط و ممزوج کنند. از حق نگذریم اگر در مطالعه، تعجیل و در برداشت و درک موضوع به خلاصه‌ای گذرا بسنده میکنند به این دلیلست که هر کسی آن قصه عاشقانه شیرینتر و لذیذتر از گزنگبین را دریابد و توان خواندنش را هم داشته باشد، در گرداب عواطف موجود در کوچه پس کوچه‌های آن شهر عشق، غرق و در لابلای خطوط گم میشود. آنچنان هوش از کلاهش میپرد که تا شتابان جملات را خوشه چینی نکرده و همچون جرعه‌ای گوارا سر نکشیده، نه گوشش چیزی میشنود و نه قادر است با کسی دمخور شود. در واقع

فرصت نمیکند دنبالهٔ سرگذشت را رها کند. بنابراین مجال نمیآید در این گنجینهٔ مملو از جواهرات و نفائس کندوکاو و تفحص نماید تا دریابد که شیخ خانی در این مقولهٔ بظاهر فقط عاشقانه چه مایه شیرین کاشته و درجه و پایهٔ رفیع ادبی و هنریش تا یکجا قد کشیده.

۱. لهجهٔ بادینی: یکی از لهجه‌های چند گانهٔ زبان کوردی است که گویش بیشترین در صد از جمعیت کوردها به آن اختصاص دارد، شامل: جمعیت کوردستان در ترکیه، کوردستان در سوریه، بخشهایی از کوردستان در عراق و همچنین بخشهای کورد نشین ارومیه و اطراف آن در آذربایجان غربی ایران

۲. لهجهٔ سورانی: دیگر لهجهٔ مهم زبان کوردی که گویش اکثریت کوردهای ایران و نیمی از کوردهای عراق را شامل می‌شود.

بقولی، این قبیل کارها فقط گفتنشان راحت است ولی انجامشان قلم پایدار و توانا میطلبد و مرد ادیب و دانا. نادرند فرزانة شاعرانی که اینهمه زیبایی شناسی و ظریفکاری را با مهارت و استادی در متن و بطن یک قصهٔ عشق جای داده و قادر باشند هزاران تار ابریشمین، بود زرین، رشتهٔ سیمین، نخ رنگین، تافتهٔ ألوان و اینهمه صنّع منقوش و بی نظیر و پُرپها را شناخته، درک کرده و همگی را بدون هیچ لغزش و خطائی در اوج ظرافت مورد استفاده قرار داده باشد. همچنین در شناساندن، گزینش و انتقالشان به خواننده، سرینجهٔ پر رنجه‌اش نچانیده، قلم چالاک و بی باکش سکندری نخورده، زبان بی امان و پر حرارتش به لکنت نیفتاده و چرخ ذهن خللاق و بَرّاق او در مسیر پویندگی و آفرینش به دست انداز نیفتاده باشد و در اوج خود باوری، این مهم را بعهدہ گرفته، به انجام رسانده و در اختیار مشتاقان قرار دهد. آری "مَم و زین" در وجه و مقام یک منظومهٔ کم نظیر بر بلندای قلهٔ فرهنگ و ادب قرار دارد. اگر نظامی گنجوی، نیمه کوردِ فارسی قلم قرن ششم هجری، شهرتش بخاطر خمسه‌اش بلند آوازه است و نام فرهاد، کوردِ کلهر بیستون شکاف را که از دست عشق معشوقش شیرین، فانی شد را باقی کرده، اگر لیلی و مجنونش، نام دو نو جوان عربِ ناکام و نامراد را در سوز سینهٔ خواننده‌اش جاری ساخته و در این رهگذر آنها را برای همیشه جاودان نموده، اگر رومثو و ژولیت ایتالیائی که در ره عشق، جان باختند، با قلم توانای شکسپیر مومیائی شده و با مهارت و به طرزی شایسته نگهداری میشوند، نپوسیده و نپوده، شرایط و

۱. لهجه بادینی: یکی از لهجه‌های چند گانه زبان کوردی است که گویش بیشترین در صد از جمعیت کوردها به آن اختصاص دارد، شامل: جمعیت کوردستان در ترکیه، کوردستان در سوریه، بخشهایی از کوردستان در عراق و همچنین بخشهای کورد نشین ارومیه و اطراف آن در آذربایجان غربی ایران

۲. لهجه سورانی: دیگر لهجه مهم زبان کوردی که گویش اکثریت کوردهای ایران و نیمی از کوردهای عراق را شامل می‌شود.

بقولی، این قبیل کارها فقط گفتنشان راحت است ولی انجامشان قلم پایدار و توانا میطلبد و مرد ادیب و دانا. نادرند فرزانه شاعرانی که اینهمه زیبایی شناسی و ظریفکاری را با مهارت و استادی در متن و بطن یک قصه عشق جای داده و قادر باشند هزاران تار ابریشمین، پود زرین، رشته سیمین، نخ رنگین، تافته الوان و اینهمه صنع منقوش و بی نظیر و پُر بها را شناخته، درک کرده و همگی را بدون هیچ لغزش و خطائی در اوج ظرافت مورد استفاده قرار داده باشد. همچنین در شناساندن، گزینش و انتقالشان به خواننده، سربلندی پر رنجه‌اش نچائیده، قلم چالاک و بی باکش سکندری نخورده، زبان بی امان و پُر حرارتش به لکنت نیفتاده و چرخ ذهن خلاق و براق او در مسیر پویندگی و آفرینش به حسد انداز نیفتاده باشد و در اوج خود باوری، این مهم را بعهده گرفته، به انجام رسانده و در اختیار مشتاقان قرار دهد. آری "مم و زین" در وجه و مقام یک منظومه کم نظیر بر بلندای قله فرهنگ و ادب قرار دارد. اگر نظامی گنجوی، نیمه کورد فارسی قلم قرن ششم هجری، شهرتش بخاطر خمسه‌اش بلند آوازه است و نام فرهاد، کورد کلهر بیستون شکاف را که از دست عشق معشوقش شیرین، فانی شد را باقی کرده، اگر لیلی و مجنونش، نام دو نو جوان عرب ناکام و نامراد را در سوز سینه خواننده‌اش جاری ساخته و در این رهگذر آنها را برای همیشه جاودان نموده، اگر رومئو و ژولیت ایتالیائی که در ره عشق، جان باختند، با قلم توانای شکسپیر مومیائی شده و با مهارت و به طرزی شایسته نگهداری میشوند، نیوسیده و نبوده، شرایط و طول زمان و زندگیشان در آن دنیای خاکی هرچه بوده، اکنون پس از مرگشان، به چشم جهانیان عزیزتر و تا ابد گرامیتر مینمایند، پُر واضح است که اگر خانی "مم و زین" را به کوردی نمیسرود و محققان و پژوهندگان خارجی آنرا هم مانند اثری به یکی از زبانهای زنده دنیا میشناختند و معرفی میکردند، آن سه عشاق نامه ایکه ذکرشان رفت، اکنون در مقابل "مم و زین" خانی سر تعظیم فرود می‌آوردند. اما تقو بر

چرخ گردون، که ما کوردهای بی بضاعت، مصیبت زده و سیه روز، از (اگر اگر) بیشتر نصیبی و مَقَری نداریم. اگر این تعداد چاله چوله، موانع، سدها، گرفتاری و مکافات، در مسیر رسیدن به سرافرازی و نیکیبختی ردیف نشده بود، اگر کورد هم مانند دیگر ملل فراغبال خوش اقبال، دولت دلسوزی داشت که فرصت رونق و نشو و نما به زبان و فرهنگ و ادبش میداد و این زبان شیرین و منزوی میتوانست از آنهمه حصار و باروی آهنین رهائی یابد، اگر (ظالمان و متصرفینی که بوئی از وجدان و مروت نبرده‌اند و مانند دوالپا بر گردهٔ نحیفش سوار شده و در کمال بیرحمی و ناجوانمردی، هم خیر و برکت سرزمینش را میبلعند و هم مردمش را چون هیزمی در میان تنور معرکهٔ دشمنان میافکنند و برعلیهٔ هم میثورانند، با کمترین صدای شکایتی، هر معترضی را آماج گلوله‌های قتال میکنند، سرشان را بالای دار میفرستند و دمار از روزگارشان در می‌آورند) نمیبودند، و کار ستمشان بر سر کورد و اماندهٔ بی‌مجال به جایی رسیده، زبانی را که خداوند بین بندگانش تقسیم کرده، در اکثر نواحی کوردستان به جهت خواندن و نوشتن ممنوع کرده‌اند و هر زبان پرستشگری، فوراً بریده میشود. حتی اگر التمشان را قبول کنند که میگویند، ای برادر مسلمان لااقل بگذار کمی هم به خط و زبان خودم بنویسم، باید صرفاً مجیز قد و بالای کج و مُعوج و گردن شکسته و ریش شمالوی آنها را بگویند اما هرگز کلامی و واژه‌ای در بارهٔ زندگی رنج و رنج خود ننویسند. اگر کورد هم غبار اديار از سر و سیمایش زدوده، بختش رام و نو عروس رهائی را در آغوش میکشید، اکنون کارش جای دگر بود. اگر اینهه (اگر) بر سر راه نبود، اکنون زبان ما هم جزو گویشهای کم و بیش زندهٔ دنیا بود و پژوهشگران و کورد شناسان جهان منظومهٔ "مَم و زین" شیخ خانی را هم از جمله افتخارات ادبی قلمداد میکردند.

"مَم و زین" صرفاً یک داستان عشقی سادهٔ ادبی نیست، بلکه جایگاه چند روایت اجتماعی علمی و هنری هم هست. واقعاً در نگاه اول بنظر نمیرسد که مقذور بوده باشد اینهمه موضوع و مطلب همگون و در عین حال متضاد در یک میدان کوچک و معبر تنگ کنار هم جای بگیرد، ولی جای داده شده و این هم از ویژگیها و امتیازات برتر شیخ خانی است که در قالب یک عشاق نامه، چند نامهٔ دیگر را هم در زوایای مختلف متن اصلی گنجانده که یکی از یکی زیباتر و استادانه ترند.